

جنگ المان و شوروی

دو قسمت از نیروی دریائی روسیه در دریای بالتیک، و در دریای سفید، قرار گرفته و اگرچه انتظار میرود که این دو قسمت از نیرو بتوانند با یکدیگر همکاری کنند معینا از لحاظ تنگی فضا و یخ بندان در قسمتی از سال این همکاری با اشکال مواجه میگردد. نیروی دریائی روسیه که در خاور دور یعنی در ولاد یوستک، قرار گرفته فقط شامل ناوهای مستحفظ ساحلی است. تنها نیروی واقع در دریای سیاه، حائز اهمیت میباشد زیرا ناوهای واقع در این قسمت توانستند بدفاع از ادسائ و پشقیبائی از نیروی زمینی پردازند.

بطور کلی میتوان چنین گفت که دولت شوروی مساعی خود را در ایجاد ناوهای اژدر افکن سمک و زیر دریائی مبذول داشته است. این ناوها در خلیج فنلاند موفقیتهای زیادی بدست آورده و در ایپانوس و منجمد شمالی تلفات سنگینی بکشتیهای حامل نفت آلمانی وارد ساختند.

فعالیت های سیاسی در لندن - واشنگتن - مسکو

در ماه ژوئیه فعالیت های زیادی در کانون سیاسی کشورهای متفق بوجود آمد. انگلیسیها و تانکها از ای امریکائیها برای ایجاد همکاری مابین کشورهای انگلیسی زبان از طرفی و روسیه از طرف دیگر کوشش فراوانی نمودند. دولت انگلستان برای استقرار روابط دوستی فیما بین دولتین روسیه و لهستان پیشقدم شده و همچنین برای رفع عدم اعتماد تر که نسبت بروسها که از دیر زمانی آغاز

گردیده و اخیراً بمناسبت سیاست مبهم دولت شوروی شدت یافته بود کوشش بسیار نمود. در ممالک متحده آمریکا و سایر کشورهای آمریکائی عده زیادی بر این عقیده بودند که الحاق بلشویکها بگروه دشمنان، هیتلر، منظور اصلی جنگ و از جاده خود منحرف ساخته و چون روسیه کمونیست کشوری دیکتاتوری و مخالف اصول دموکراسی و مذهب میباشد لذا دخول این کشور در گروه متفقین که برای نجات دموکراسی و آزادی بیان و اجتماع برخلاف اصول استبداد و مرام نازیسم، و فاشیسم، میجنگند، به چوجه منطقی نیست. دولت آمریکا در «واشنگتن» تا اندازه ای از شیوع این عقیده جلوگیری نمود.

منطق و طرز استدلال پیشوایان این عقیده همانقدر ضعیف بود که منطق حزب کمونیست در انگلستان. قبل از بیست و دوم ژوئن ۱۹۴۱ یعنی قبل از تهاجم آلمان بر روسیه افراد حزب کمونیست، در انگلستان این جنگ را جنگ «امپریالیستی» نامیده و هر قدر میتوانستند در راه کوششهای جنگی انگلستان موانع ایجاد مینمودند لکن همین جنگی که بنظر آنان تا اندکی قبل از ساعت ۴ بعد از نیمه شب بیست و دوم ژوئن مخالف هر اصولی بود اندکی پس از این ساعت از جنگهای مقدس بشمار رفت. در نتیجه سیاست دولت انگلستان در داخله کشور و حسن سیاست دولت آمریکا در کشورهای لاتین آمریکا بود که هیتلر، نتوانست آنطوریکه انتظار داشت پیشوای نجات مذهب و تمدن معرفی گردد. در ترکیه سیاست دولت آمریکا سخت مشغول فعالیت بود و در فنلاند سفیر آمریکا کوشید تا شاید بتواند دولت فنلاند را از دخول در جنگی که بدون تعمق در آن شرکت جسته بود خارج نماید. در انگلستان اتحادیه کارگران از سیاست دولت راجع به مکاری و مساعدت بدولت اتحاد جماهیر شوروی پشتیبانی فراوان نمود.

در ۱۳ ماه ژوئیه اتفاق دو کشور انگلستان و روسیه بر علیه آلمان بوسیله اعلامیه زیر تأیید گردید:

دولت امپراطوری انگلستان و دولت اتحاد جماهیر شوروی پیمان حاضر را امضاء و اعلام میدارند:

۱ - دولتین انگلستان و شوروی متعهد میشوند که در جنگ امروزی بر علیه آلمان هیتلری از هیچگونه مساعدت و پشتیبانی از یکدیگر خود داری ننمایند.

۲ - همچنین دولتین نامبرده متعهد میشوند که در تمام مدت جنگ برای متار که داخل مذاکره نگردیده و قراردادی امضاء ننمایند مگر برضایت طرفین طرفین متعاهدین موافقت نمودند که این پیمان از لحظه امضاء معتبر بوده و احتیاج بتصویب نداشته باشد. این پیمان در شب ۱۲ ژوئیه به امضاء « سراسترفرد گریپس، سفیر دولت امپراطوری انگلستان در مسکو، و مولوتف، وزیر امور خارجه روسیه رسید.

يك هفته پس از ورود هیئت اعزامی انگلستان بمسکو هیئت نظامی اعزامی شوروی که شامل نمایندگان نیروی زمینی، دریائی و هوائی بود و در رأس آن سپهبد « گلیکف»^(۱) قرار داشت بلندن وارد و فوراً شروع بکار نمود. در حقیقت این پیمان بمنظور صورت قانونی دادن بوضع موجود بین دو کشور بود زیرا در روز سوم ژوئیه مارشال «استالین» در یکی از سخنرانیهای خود (که در برابر رادیو ایراد نمود) ملت روس را بدفاع از زمین و حقوق خود و جنگ تا آخرین لحظه حیات بر علیه آلمان «فاشیست» دعوت و آنرا بتخریب محصول، ماشین آلات و منازلی که ممکن است بدست آلمانیها افتد و مورد استفاده آنان قرار گیرد تشویق نمود. ضمناً بکمک و مساعدت انگلیسیها و امریکائیها اشاره نمود و سخنرانی سوم ژوئن مستر «چرچیل» را یکی از وقایع بزرگ تاریخ شمرد. روز پنجم هم مستر «ایدن» راجع به همکاری بادولت شوروی تا حصول پیروزی تأکید بسیار کرد.

روزنامه‌های آلمانی و ایتالیائی و برخی از کشورهای دیگر تنفر خود را نسبت بمعقد پیمان بین دولتین انگلستان و روسیه ابراز داشتند. رادیوی برلن دولت انگلستان را که با بلشویکها پیمان اتحاد بسته بود به خیانت نسبت

بیتمدن اروپائی متهم نمود . لکن کشور های وابسته بامپراطوری انگلستان که قبلا راجع باین موضوع مورد مشورت قرار گرفته بودند این پیمان را با نظر موافق تلقی نمودند . ژنرال اسمتس ، ^(۱) در یکی از سخنرانیهای خود در برابر رادیو اهالی اتحادیه افریقای جنوبی را (جائیکه تبلیغات آلمان در ملیون هلندی هنوز تأثیرات اولیه خود را دارا بود) مخاطب قرار داده از پیمان بنحوی دفاع نمود که مورد قبول دولت انگلستان واقع شد و موقعیکه مستر چرچیل ، در یازدهم ماه ژوئیه راجع بعقد قرارداد بادولت شوروی بیارلمان انگلستان گزارش میداد برخی از عبارات ویرا نقل نمود نخست وزیر انگلستان بس از بیان متن پیمان چنین گفت :

« وزیر امور خارجه انگلستان و سراسر افراد گریپس ، در مسکو کوشش «
 « خستکی ناپذیری برای اختتام سریع این امر ابراز داشتند . پیمانی که منعقد «
 « گردیده در آئینه جنگ تأثیر مهمی خواهد داشت .
 « این پیمان اتفاق است و اکنون روسها متفق ما میباشند .
 « ژنرال اسمتس ، با آن درایت سیاسی که مخصوص اوست اعلامیه ای صادر «
 « نمود که در همین حال معرف روش سیاسی دولت انگلستان میباشد . او در اعلامیه «
 « خود چنین میگوید :

« کسی نمیتواند بگوید که ما امروز یا کمونیست ها متفق و برای پیشرفت «
 « مرام کمونیسم میجنگیم . آنانکه بیطرفی اختیار نموده و خود را بر کنار «
 « نگاهداشته اند متهم بکمک بمرام فاشیسم میباشند . اگر «هیتلر» در نتیجه خود «
 « خواهی جنون آمیزش روسیه را برای دفاع از کشور خود بجنک وادار نمود ،
 « ما بدون اینکه بحمايت مرام کمونیسم بپردازیم برای نیروی جنگی این کشور ،
 « از خداوند مغفرت طلبیده موقعیت وی را خواهانیم . «هیتلر» همانطوری که ،
 « قبلا بدون آنکه مرام کمونیسم را بپذیرد از روی خیانت بادولت شوروی بمقتد «
 « پیمان دوستی پرداخت اکنون هم بدون آنکه ما را بسوی مرام خود جلب نماید «
 « روسیه را دشمن خود ساخته است .»

سپس مستر و چرچیل، راجع به مذاکرات بین دولت لهستان و روسیه که در خصوص آن وزیر خارجه انگلستان کوشش فوق العاده ای مینمود ابراز امیدواری کرد. در حقیقت دولت چکوسلواکی نخستین دولتی بود که پس از انگلستان با دولت روسیه موافق به عقد پیمان گردید. اندکی پس از حمله آلمان بر روسیه مذاکرات بین مسیو مایسکی،^(۱) سفیر کبیر دولت شوروی در لندن و دولتین تبعید شده لهستان و چکوسلواکی آغاز شد و طبیعتاً دولت چکوسلواکی موفق گردید زودتر از دولت لهستان با روسیه به عقد پیمان بپردازد زیرا روسها در سال ۱۹۳۹ لهستان را مورد حمله قرار داده بودند بعلاوه بین این دو دولت اختلاف نظر شدیدی راجع به فزاداهالی ایالات خاوری لهستان وجود داشت. در روز ۱۸ ژوئیه پیمانی بین دولتین شوروی و چکوسلواکی بوسیله مسیو مایسکی، از طرف دولت شوروی و مسیو ژان مازاریک،^(۲) وزیر خارجه چکوسلواکی امضاء گردید. این پیمان حاوی مواد زیر بود:

- ۱ - دولت شوروی و چکوسلواکی موافقت نموده اند که بمبادله سفیر بپردازند.
- ۲ - هر يك از دولتین متعهد میشوند که یکدیگر را در جنگ کنونی که بر ضد آلمان هیتلری است با جمیع وسائل ممکنه که در دست دارند مساعدت نمایند.
- ۳ - دولت اتحاد جماهیر شوروی موافقت مینماید که در خاک شوروی واحد های نظامی مرکب از اهالی چکوسلواکی در تحت فرماندهی شخصی که دولت چکوسلواکی تعیین و دولت شوروی با فرماندهی او موافقت نماید تشکیل شود. این واحدهای نظامی طبق دستور فرمانده کل نیروی شوروی رفتار خواهند نمود.
- ۴ - پیمان فعلی بلافاصله پس از امضاء معتبر است و محتاج بتصویب نخواهد بود.

۱ - Maïsky

۲ - Jan Masaryk

۵ - پیمان فعلی در دو نسخه و هر نسخه بدو زبان روسی و چکوسلواکی تهیه شده است و هر یک از آن دو دارای اعتبار مساوی است .

اندکی پس از تهاجم آلمان بر روسیه ، دکتر بنش،^(۱) رئیس جمهور چکوسلواکی در یکی از سخنرانیهای خود در برابر رادیو ملت چکوسلواکی را مخاطب قرار داده مشی سیاسی دولت چکوسلواکی را بطرزی که مستر «چرچیل» در اعلامیه ۲۲ ژوئن خود اعلام داشته بود بیان نمود و سپس گفت که روابط سیاسی بین دولتین روسیه و چکوسلواکی باید دوباره برقرار گردد . این روابط در سال ۱۹۳۹ موقمی که دولت آلمان چکوسلواکی را تحت الحمايه خود اعلام نموده بود قطع گردید و با اینکه دولت روسیه آنرا بر رسمیت نشناخته بود معینا سفیر خود را از پراگ احضار نمود .

دولت انگلستان در این موقع هیئت دولت د کتره بنش را که تا آن وقت حکومت موقتی شناخته میشد بر رسمیت شناخت و این اعلامیه دولت انگلستان دولت چکوسلواکی را با دولت های متفق دیگر که در لندن تشکیل شده بودند در یک ردیف قرار داد و مستر فیلیپ نیکلس،^(۲) یکی از اعضاء وزارت خارجه انگلستان بسمت سفارت بدولت چکوسلواکی معرفی گردید .

سپس پیمان روسیه و لهستان مورد بحث قرار گرفت . در این قسمت اشکال اصلی سر نوشت زمین های بود که دولت شوروی در نتیجه پیمان سال ۱۹۳۹ با دولت آلمان از کشور لهستان (باین عهد که دولت لهستان دیگر وجود نداشته و روسیه باید دست حمایت و مساعدت بسوی برادران او گرافی و روسهای سفید دراز نماید) منتزع ساخته بود . مانع بزرگتر این بود که در سال ۲۰-۱۹۱۹ روسها لهستانیها راجع باین قسمت از خاک لهستان بجنبگ پرداخته بودند مسئله دیگر را اسیران لهستانی تشکیل میدادند . این اسیران در سال ۱۹۳۹ و بعد از آن بدست مارشال «تیموشنکو» در زمین های اشغال شده در لهستان گرفتار و بکشور شوروی برده شده بودند .

لهستانیها تعداد آنها را بصد ها هزار تخمین می زدند و روسها آنها را ازده ها هزار متجاوز نمیدانستند. مستر «ایدن» برای رفع اختلاف و التیام روابط طرفین کوشش فوق العاده نمود تا اینکه سرانجام در روز ۳۰ ژوئیه پیمانی بین دولتین روسیه و لهستان در وزارت امور خارجه انگلستان در حضور مستر «چرچیل» و مستر «ایدن» منعقد گردید.

مسیو «مایسکی» و مسیو «نویکف»^(۱) از طرف دولت شوروی بنمایندگی افتخاب و ژنرال «سیکورسکی» نماینده گی دولت لهستان را عهده دار بود.
متن پیمان:

۱ - دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پیمان سال ۱۹۳۹ روسیه و آلمان در خصوص تقسیمات مرزی لهستان را از درجه اعتبار ساقط میداند و دولت لهستان از طرف دیگر بدین وسیله اعلام میدارد که با هیچ کشوری پیمانی که برخلاف مصالح روسیه باشد ندارد.

۲ - روابط سیاسی بین دولتین متعهدین بمحض امضاء این پیمان دو باره برقرار می گردد و این در دولت بمبادله سفیر خواهند پرداخت.

۳ - دولتین متعهدین متعهد میشوند که در جنگ کنونی بر علیه آلمان هیتلری از هیچگونه مساعدت نسبت بیکدیگر خودداری ننمایند.

۴ - دولت اتحاد جماهیر شوروی موافقت مینماید که ارتشی از اتباع لهستان در خاک روسیه در تحت فرماندهی افسری که دولت لهستان با موافقت دولت شوروی تعیین خواهد نمود تشکیل شود. این ارتش زیر نظر فرماندهی کل ارتش شوروی که نماینده ارتش لهستان در آن شرکت خواهد جست قرار خواهد گرفت. جزئیات راجع بفرماندهی، سازمان و طرز استعمال این نیرو در آتیه طبق پیمانی جداگانه تعیین خواهد شد.

۵ - این پیمان بلا فاصله پس از امضاء رسمیت یافته و محتاج بتصویب

نخواهد بود

بروتکل : دولت شوروی پس از دوباره بر قرار شدن روابط سیاسی بین روسیه و لهستان کلیه لهستانیهائیرا که در بازداشتگاه ها بعنوان اسیر جنگی و یا بعنوان دیگر نگاهداشته شده اند آزاد خواهد نمود .

پس از امضاء پیمان مستر ، ایدن ، یسادداشت رسمی زیر را به ژنرال «سیکورسکی» داد :

در این موقع که پیمان شوروی و لهستان باامضاء رسیده است لازم می-دائم که از موقعیت استفاده نموده اعلام دارم که طبق پیمان مساعدت مورخ ۲۵ اوت ۱۹۳۹ بین انگلستان و لهستان دولت انگلستان نسبت به دولت شوروی عهده دار انجام هیچگونه تعهدی نگردیده که در روابط فیما بین کشور اخیر و لهستان تأثیری داشته باشد .

همچنین اطمینان میدهم که دولت امپراتوری انگلستان هر گونه تغییرات مرزی را که از اول سال ۱۹۳۹ در لهستان بوجود آمده است برسمیت نمیشناسد . یسادداشت زیر از طرف ژنرال «سیکورسکی» به مستر «ایدن» داده شد :

دولت لهستان یسادداشت مورخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۴۱ آنجناب را ملاحظه نموده و بدین وسیله رضایت خاطر خود را از اینکه دولت انگلستان هیچگونه تغییرات مرزی که از اوت سال ۱۹۳۹ در لهستان بوجود پیوسته برسمیت نمیشناسد اظهار میدارد .

این اعلامیه دولت انگلستان با نظریه دولت لهستان (که قبلاً هم بدولت انگلستان اطلاع داده بود که هیچگونه تغییرات مرزی را که از آغاز جنگ در لهستان بوجود آمده برسمیت نمیشناسد) مطابقت کامل دارد .

پس از ختم مراسم امضای پیمان نمایندگان طرفین بسخنرانیهای مختصری پرداختند ژنرال «سیکورسکی» اظهار داشت که امضاء این پیمان یکی از مهم ترین وقایع تاریخی بشمار میرود و اگرچه کلیه اختلافات بین دو کشور تصفیه نگردیده است معیناً این پیمان زمینه مساعدی را برای همکاری در آتیه تشکیل می دهد ژنرال «سیکورسکی» سپس از دولت انگلستان و مخصوصاً از مستر «ایدن» که

برای انعقاد پیمان متحمل زحمات فوق العاده ای شده بود اظهار قدردانی نمود
«مسیو مایسکی» هم بنوبه خود از مسترد آیدن، تشکر نمود سرانجام مستر
«چرچیل» باظهارات زیر پرداخت:

«این واقعه فراموش نشدنی آغاز اتحاد دو کشور باستانی و تاریخی،
«اروپای خاوری را برای دفاع از حقوق انسانیت تشکیل میدهد. امروز در،
«نتیجه زحمات چند روزه اخیر پیمان دوستی بین روسها و لهستانیها که صفحات،
«تاریخ آلمان از نزاع و جدال تیره لکن ممکنست در آتی در نتیجه دوستی،
«از کدورت عاری شود بامضاء رسیده است. این بهترین دلیل و شاهدی است،
«که صدها ملیون نفر در نقاط مختلف دنیا برای پایداری در مقابل یکمده جانی،
«های تبه کار که باید سرانجام محو گردند دور هم گرد آمده اند،

چون مستر «آیدن» برای عقد پیمان متحمل زحمات فوق العاده ای شده
بود در پارلمان انگلستان مورد قدردانی فراوان واقع گردید. مستر «آیدن» پارلمان
اظهار داشت که دولت انگلستان راجع به سرحدات اروپای خاوری هیچگونه
ضمانتی نمیشماید لکن در عین حال همانطور که مستر «چرچیل» نیز در پنجم سپتامبر
۱۹۴۰ اعلام داشتند تغییرات مرزی را که در طول مدت جنگ بوجود پیوسته است
برسمیت نمیشناسد مگر آنکه آن تغییرات برضایت طرفین انجام گرفته باشد.
از جریان اوضاع چنین مستفاد میشود که تعیین مرز بین روسیه و لهستان
بعده از جنگ محول گردیده است.

مستر «آیدن» و «آیدامی» از نمایندگان پارلمان از کفایت و حسن سیاست
طرفین متعاهدین سخن رانندند

در اثر این پیمان دولت شوروی ثابت نمود که میخواهد ظلم وارد بر کشور دوستی
را که چند ماه قبل از انعقاد پیمان روسیه و آلمان پیشنهاد دولت اخیر راجع به
اتحاد بر علیه روسیه را رد نموده بود جبران نماید. دولت لهستان از طرف دیگر
نشان داد که از گذشته صرف نظر نموده و مایل است روابط سیاسی بین دولت
اسلاو را هرچه زودتر برقرار سازد.

پروفسور «کت»^(۱) بسمت سفیر لهستان اعزام مسکو گردید و مسیو
«بوگومولف»^(۲) سفیر سابق دولت شوروی در ویشی، بسمت سفارت نزد حکومت

دسیکوروسکی، در انگلستان انتخاب شد و ژنرال «آندرس»^(۱) بفرماندهی نیروی لهستان در روسیه برگزیده شد.

برای این نیرو سربازخانه و آموزشگاه در قسمت خاوری دولکا، تهیه گردید و روسها با وجود گرفتاریهایی که داشتند نسبت بآموزش سربازان لهستانی از هیچگونه مساعدتی فروگذار ننمودند.

دولت شوروی سپس روابط سیاسی با دولتهای فروژ، بلژیک، یونان و یوگوسلاوی را دوباره برقرار نمود، دولت هلند از لحاظ اختلاف مرام^(۲) از انعقاد روابط سیاسی خودداری کرد لکن در عین حال اعلام داشت که برای استقامت در مقابل دشمن عمومی از هیچگونه مساعدت نسبت بدولت شوروی فروگذار نخواهد کرد. با وجود سیاست دوطرفی و عیبم دولت بلغار معیناً دولت شوروی بقطع روابط سیاسی با این کشور پرداخت زیرا گرچه بلغارستان خود را کشوری بی طرف اعلام نموده بود معذالک این بیطرفی از یک طرف در نتیجه اشغال بنادر دریای سیاه بوسیله آلمانیها و از طرف دیگر بواسطه آزار رساندن بطرفداران روسها (اعم از بلشویک و آزادیخواه) در بلغارستان نقض شده بود.

مسئله ترکیه در نظر سیاستمداران انگلیسی بینهایت غامض بود. روابط سیاسی بین دولتین ترکیه و شوروی که در نتیجه سیاست نامنظم و متغیر دولت شوروی (مخصوصاً پس از امضای پیمان آلمان و شوروی و دو نتیجه رفتار نامطلوب دولت اخیر نسبت بفنلاندیها، کشورهای بالتیک، لهستانها و رومانیها) تیره گردیده بود در اثر سخنرانی میدور و معاونتف و تیره تر شد و سوءظن سابق آنها نسبت بروسها دوباره قوت گرفت. در کما تئمه ۱۹۱۵ انگلیسیها را نسبت بروسها راجع بواگذاری اسلامبول بیاد آورده و مامورین قبلیغات آلمان پیوسته بترکها گوشزد مینمودند که پیمان روسیه و انگلستان مقدمه تجدید پیمان ۱۹۱۵ است باینجه حتی ترکها فیکه خراهان پیروزی انگلستان بر آلمان بودند شکست روسیه را آرزو میکردند.

۱- Anders

۲- قطع روابط سیاسی بین دولتین هلند و روسیه پس از انقلاب بلشویکها و وقوع بانگ





دولتین انگلستان و روسیه متوجه موقعیت خطرناک کشور ترکیه گردیده و بارانیه اعلامیه واحدی بوسیله سفرای خود در آنکارا، موافق به مرمت نمودن وضعیت شدند. در روز دهم اوت وزارت خارجه انگلستان اعلامیه زیر را منتشر ساخت:

« در روز دهم اوت سفرای انگلستان و شوروی در وزارت خارجه ترکیه، حضور یافته و اعلامیه‌ای که دارای متن واحد بود بوزیر خارجه ترکیه، دادند. اینک متن پیمان انگلستان:

« دولت امپراطوری انگلستان بدینوسیله محترم شمردن پیمان مترو و تأیید نموده و بدولت ترکیه اطمینان میدهد که قصد تهاجم و هیچگونه ادعائی، نسبت به تنگه داردانل، ندارد.

« دولت امپراطوری انگلستان و دولت اتحاد جماهیر شوروی بدینوسیله، متعهد میشوند که استقلال و تمامیت ارضی جمهوری ترکیه را محترم شمارند.

« با در نظر داشتن تمایل دولت ترکیه راجع به برکنار ماندن از میدان،

« جنگ دولت امپراطوری انگلستان و دولت اتحاد جماهیر شوروی حاضرند،

« که در صورت حمله یکی از کشورهای اروپائی بترکیه از هر گونه مساعدت،

« در باره این کشور دریغ نورزند.

تاتمام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی